

▼ صلح، حق انسانی و نقش جامعه مدنی



مینو مرتاضنی لنگرودی، فعال سیاسی ملی مذهبی در سخنانش گفت: صلح دیگر نه صرفاً یک آرزو، بلکه به‌عنوان یک «حق» معرفی می‌شود؛ حقی که باید هم در مرزهای ملی و هم در سطح جهانی به‌رسمیت شناخته شود. صلح زمانی برقرار است که کرامت و عاملیت انسان‌ها حفظ شود و قوانین ملی و بین‌المللی از آن پشتیبانی کنند. در صدسال اخیر، ایرانیان همواره درگیر جنگ‌هایی تحمیلی بوده‌اند؛ جنگ‌هایی که آغازگران نبوده‌اند اما آثار سنگین آن‌ها نسل به نسل منتقل شده است. خانواده‌های ایرانی، از مادر بزرگ‌ها تا نوه‌ها، تجربه زیستن در دل جنگ را با خود حمل می‌کنند. برای بسیاری از مردم، جنگ هرگز تمام نمی‌شود؛ چراکه داغ از دست دادن عزیزان یا آسیب‌های جسمی و روحی تا پایان زندگی با آنان همراه است. امید در چنین شرایطی مهم‌ترین ابزار بقاست. امید نه یک احساس زودگذر، بلکه فلسفه‌ای برای ادامه زندگی است؛ این امید است که به مردم امکان می‌دهد شرایط سخت را بپذیرند اما در برابر آن تسلیم نشوند و راهی برای عبور پیدا کنند. تجربه جنگ‌های اخیر نشان داده است که مردم، هر چند عاملی در آغاز جنگ ندارند، در جریان بحران عاملیت تازه‌ای پیدا می‌کنند؛ با همبستگی و خلاقیت‌های جمعی راه‌های تاب‌آوری می‌آفرینند. در جنگ دوازده‌روزه اخیر در حالی که جامعه با شکاف‌های سیاسی و اجتماعی روبه‌رو بود، مردم در لحظه خطر این اختلاف‌ها را کنار گذاشتند و با درک این واقعیت که همگی بر قایق واحدی به نام ایران سوارند، برای دفاع از سرزمین متحد شدند. این همبستگی عاطفی، علاوه بر افزایش تاب‌آوری، امیدی تازه به جامعه بخشد. در این بین نقش جامعه مدنی پررنگ است. فعالان مدنی توانستند با راه‌اندازی کمپین «زندگی برای همه، جنگ برای هیچ‌کس» فضای عمومی را از افتادن به دام جنگ‌طلبی دور کنند و پس از پایان جنگ تلاش کنند همبستگی عاطفی دوران بحران را به همبستگی پایدار و نهادی تبدیل کنند. با این حال، دشواری‌های این مسیر همچنان وجود دارد؛ از جمله بی‌اعتمادی میان مردم و ساختارهای سیاسی، سختی جمع کردن مردم در تشکل‌های داوطلبانه و غلبه ادبیات هیجانی و رادیکال بر فضای اجتماعی. صلح را نباید به یک تاکتیک مقطعی فروکاست. صلح یعنی کنار گذاشتن دشمن‌سازی‌ها و هویت‌های مبنی بر غیریت. کنشگران مدنی باید تلاش کنند این نوع نگاه را در زندگی روزمره مردم بنگجانند. روایت‌های مردمی از تجربه جنگ، خشونت، فقر یا مشکلات اجتماعی می‌تواند کمک کند تا ابعاد تازه‌ای از صلح کشف و مستندسازی شود. حتی اگر تعداد کنشگران صلح‌خواه اندک باشد، همین افراد می‌توانند نقطه اتصال امروز بحرانی به فردایی سرشار از امید و امنیت شوند. جامعه مدنی ایران این توانایی را دارد که بستری برآورش بدر صلح، امید و زندگی شایسته‌تر باشد.

▼ تجربه جنبش‌های صلح و چالش دو پیشش امنیتی



پروین شهسبازی، روانشناس اجتماعی در سخنانش به تجربه شکل‌گیری و گسترش جنبش‌های صلح پس از جنگ جهانی دوم در هلند پرداخت و با اشاره به انواع صلح و گروه‌هایی که در تلاش برای ایجاد آن هستند، از جمله نظامیان، دیپلمات‌ها و کنشگران اجتماعی، به تفاوت برقراری صلح و امنیت دولت‌محور و جامعه‌محور اشاره کرد.وی توضیح داد: «این دورویکرد بازگوکننده‌ی چالش میان دو پیشش هستند: برقراری امنیت با نگرش دولتی که بر تسلط میلیتاریستی استوار است، و نگرش پاسیفیستی جنبش‌های جامعه‌محور که خواستار لغو نهادهای نظامی و استفاده‌نکردن از خشونت فیزیکی برای دستیابی به اهداف سیاسی، اقتصادی یا اجتماعی‌اند. به توجه به اوج‌گیری گفتمان جنگ‌طلبانه و وجود جنگ‌های جاری، شاهد پیدایش جنبش‌های صلح‌نوستیم».

▼ آموزش، رکن اساسی در پرورش فرهنگ صلح

سعید پیوندی، جامعه‌شناس در بیاناتش با رویکرد جامعه‌شناختی تأکید کرد: «هیچ فردی فرهنگ صلح را از کسی و جایی به ارث نمی‌برد و آموزش مداوم نسل‌های گوناگون در یک جامعه نقش اصلی را در شکل دادن و ارتقای این فرهنگ ایفا می‌کند. برای بحث دربارۀ ی چهارچوب‌ها و محتوای آموزش صلح ابتدا باید به این پرسش پرداخت که به چه چیزی صلح گفته می‌شود؟ درک امروزی از این مفهوم، صلح را صرفاً به شرایطی که در آن جنگ و درگیری‌های خشونت‌آمیز وجود ندارد فرو نمی‌کاهد. فرهنگ صلح مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نگرش‌ها، سنت‌ها، رفتارها و شیوه‌های زندگی است که بر احترام به زندگی، پایان دادن به خشونت، و ترویج گفت‌وگو و تفاهم در میان افراد، گروه‌ها و ملت‌ها استوار است. وجود سرکوب، تبعیض‌ها و نابرابری‌های جنسیتی، قومی، دینی و خشونت‌نمادین و نهادی علیه گروه‌های اقلیت، تهدید دائمی برای صلح اجتماعی به‌شمار می‌روند.

با توجه به تجارب جهانی آموزش صلح، این آموزش به سه سویه توجه دارد: نخست بُعد شناخت‌شناسانه شامل دانش تاریخی و حقوقی، دوم مهارت‌های عملی همچون تفکر انتقادی، هم‌فهمی بین فرهنگی، گفت‌وگو و مقابله با کلیشه‌ها و تعصب و سوم ارزش‌ها و نگرش‌ها از جمله کرامت انسانی، رواداری، پذیرش تفاوت‌ها، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، چندصدایی و دموکراسی. آموزش رسمی، از کودکستان تا دانشگاه، اصلی‌ترین فضای تربیت نسل جوان و آشناترکردن آن با مبانی فرهنگ صلح به‌شمار می‌رود. اما آموزش صلح باید فراتر از جوانان، همه نسل‌ها در جامعه را دربرگیرد. رسانه‌ها، سازمان‌های فرهنگی و مدنی، دانشگاهیان، روشنفکران، هنرمندان، کنشگران و نخبگان سیاسی و اجتماعی می‌توانند به

بازیگران اصلی ترویج و ارتقای فرهنگ صلح تبدیل شوند. در ایران فرهنگ صلح هنوز به یک دغدغه ملی تبدیل نشده و این شاید مهم‌ترین بیامی است که نسل ما از فراز همه تجربه‌های گذشته باید به جامعه و نسل جدید منتقل کند.

▼ سرمایه اجتماعی راهی به سوی صلح پایدار

سعید معیدفر، جامعه‌شناس در سخنانی با اشاره به دیدگاه‌های فیزیک و نظم‌حاکم بر جهان گفت: «بر اساس اندیشه‌های فیزیک و رویکردی که فیزیک دارد، جهان تماماً دارای قوانین و نظمی است که همه امور را در بر گرفته است. اما جهان انسان‌ها همیشه شاهد جنگ‌ها و خشونت‌های فراوان بوده است؛ جنگ میان اقوام، قبایل و امپراتوری‌ها در خارج از مرزها و خشونت میان افراد، گروه‌ها و دسته‌جات در داخل مرزها. عصبیت مبتنی بر جبر اجتماعی موجد جنگ در داخل مرزهاست و اراده‌گرایی بی‌حدوصر نیز موجد هر ج‌ومرغ و شدت یافتن خشونت در داخل مرزها. به نظر می‌رسد در جهانی وارد شده‌ایم که با تقویت سرمایه اجتماعی، تعادلی میان جبرگرایی و اراده‌گرایی برقرار می‌شود و می‌توان از اجتناب‌ناپذیر بودن جنگ و خشونت احتراز کرد و به صلحی پایدار رسید. با توجه به تحولات قرن بیستم به تدریج در این دوره و پس از جنگ جهانی دوم ایده‌هایی مطرح شد مبنی بر اینکه باید تلفیقی میان جبرگرایی پیشین و اراده‌گرایی جدید به وجود بیاید. اولین نشانه‌های آن را در خودپارسونز داریم. او مطرح می‌کند که یک نظام اجتماعی باید به سه امر توجه داشته باشد: عقلانیت، اراده‌گرایی و ایستارهای ارزشی. پارسونز هشدار می‌دهد که نباید با اراده‌گرایی به سوی فردگرایی کشیده شویم. اگر کل حیات اجتماعی بر اساس ارزش‌های فردی و فردگرایی شکل بگیرد و اشخاص مستقل از ارزش‌ها و تصمیمات دیگران تصمیم بگیرند، نتیجه چیزی جز هر ج‌ومرغ کامل نخواهد بود و این امر با صلح در تضاد است. در بحث عقلانیت نیز بر خلاف تصور رایج که آن را انتخاب از میان همه گزینه‌ها می‌دانیم، پارسونز توضیح می‌دهد چنین عقلانیتی محال است، زیرا نیازمند علم کامل است؛ در حالی که این علم کامل در دسترس نیست. افزون بر آن، پیش‌نیاز چنین عقلانیتی رها شدن فرد از جامعه است، که امری ناممکن به نظر می‌رسد. یک فرد بر اساس سرمایه اجتماعی که دارد، در کنار سرمایه مادی و انسانی می‌تواند در جهت پیشرفت خود و جامعه گام بردارد. بر اساس یافته‌های کلمن، سرمایه اجتماعی یک شیء واحد نیست بلکه مجموعه‌ای از عوامل است که دو ویژگی مشترک دارند: همه آنها جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی‌اند و کنش‌های معین افرادی که در درون ساختار هستند را تسهیل می‌کنند. این عوامل جبر نیستند بلکه امکانات انتخابی‌اند که اگر وجود نداشته باشند، فرد با اتکا به سرمایه مادی و انسانی نمی‌تواند به پیشرفت خود و جامعه کمک کند. بر همین اساس، فرد می‌تواند با تکیه بر اجزای سرمایه اجتماعی همچون اعتماد و مشارکت، فرصت‌های خود و جامعه را ارتقا دهد. اگر در یک جامعه میزان اعتماد اجتماعی بالا باشد و یا زمینه مشارکت مدنی فراهم شود، این خود یک سرمایه بزرگ است که هم به پیشرفت فردی کمک می‌کند و هم فضای مساعدی برای پیشرفت جامعه ایجاد خواهد کرد. به نظر می‌رسد با چنین تعبیری از سرمایه اجتماعی، پارادوکس میان جبر اجتماعی و اراده‌گرایی کاهشی می‌یابد و بنابراین سرمایه اجتماعی می‌تواند به عنوان رویکردی نوین مطرح شود که بشریت امروز با تکیه بر آن به صلح پایدار دست یابد.

▼ صلح واقعی: فراتر از نبود جنگ

نیره توحیدی، جامعه‌شناس در سخنانی گفت: به گفته پژوهشگران حوزه بین الملل، جنگ عبارت است از خشونت سازمان‌یافته میان گروه‌هایی از مردم. در اینجا کلمه «مردم» ابعاد جنسیتی جنگ و اثرات متفاوت و نقش‌های متفاوت در جنگ‌ها توسط مردان و زنان را نامرئی می‌سازد؛ از طرف دیگر، ما را متوجه این واقعیت می‌کند که جنگ یا صلح صرفاً در روابط بین‌الملل مطرح نیست، بلکه جنگ‌های درون یک ملت و جنگ‌های داخلی نیز وجود دارند. وقتی صلح داخلی وجود نداشته باشد، می‌توان شاهد جنگ سرد یا حتی جنگ گرم و خونین میان یک ملت و دولت بود. صرف نبود جنگ به معنای وجود صلح نیست و هر نوع صلحی هم نشانه آرامش، رضایت و امنیت برای اکثریت مردم نیست. تنها صلح واقعی است که همراه با آزادی، عدالت، رضایت عمومی و حس امنیت باشد. در بسیاری از صلح‌ها، چه در مناقشات بین‌المللی و چه داخلی، اختلافات حل نشده باقی می‌مانند و فقط مدیریت می‌شوند؛ یعنی در همه مناسبات به ظاهر رها از جنگ، به حل مناقشه نمی‌رسیم بلکه حداکثر مدیریت مناقشه حاکم است. بر همین اساس با توجه به تجربه‌هایی در خاورمیانه می‌توان پرسید: آیا درست است که مردان آغازگر جنگ‌ها و گرداننده آن‌ها بوده‌اند و زنان صلح‌طلب و معترضان اصلی جنگ بوده‌اند؟ آیا جنگ‌ها و مناقشات خشن و خونین بشری ربطی به جنسیت و نابرابری‌های جنسی و جنسیتی دارند؟ آیناقش‌ها و اثرات مستقیم و غیرمستقیم جنگ برای زنان و مردان متفاوت است؟ به طور کلی، ابعاد جنسیتی جنگ و صلح کدامند؟ و آیا نبود جنگ به معنای وجود صلح است؟

ریان آیسلر، نویسنده و کنشگر ضد جنگ در کتاب معروف خود به نام «جام و تیغه» چهار سنگ‌بنابرای صلح معرفی کرده است: «۱- دوران کودکی: دوره‌ای حیاتی که انسان اولین تجربیات خود را کسب می‌کند و نگرش آینده او شکل می‌گیرد. ۲-روابط و مناسبات جنسی و جنسیتی: مناسبات کودکان،نوجوانان و بزرگسالان در خانواده و جامعه باید صلح‌طلبانه باشد. ۳-روابط اقتصادی و ساختارهای قدرت مالی توزیع منابع و ثروت عادلانه و منصفانه

ازعوامل مهم درساخت صلح است. ۴-روایت‌ها،گفتمان‌ها و زبان داستان‌ها، اسطوره‌ها وسیستم ارزشی ملت‌ها تعیین می‌کنند که فرهنگ مشارکت ومراقبت تقویت شودیا فرهنگ رقابت و سلطه‌جویی. در خاور میانه هنوز با فرهنگ صلح فاصله زیادی داریم.

▼ مبنای صلح، برابری و دیگرپذیری است

لطف‌الله میثقی، فعال سیاسی ملی مذهبی در سخنانی تأکید کرد: «مبنای صلح، برابری و دیگرپذیری است. تا برابری وجود نداشته باشد، صلح محقق نخواهد شد. در این راستا به بررسی چندنمونه تاریخی پرداخته است. جنبش ملی شدن نفت ایران، جنبشی اثرگذار در ایران، خاورمیانه و حتی جهان بود. مصلوق روزی که نفت را ملی کرد در صحبت‌هایش اعلام کرد که نفت را بنام صلح جهانی ملی می‌کند. چرا نفت ملی مبنایی برای صلح است؟ زیرا نفت وقتی در دست جریان‌های غیردموکرات و غیرملی است، نیاز به حفاظت دارد. محاسباتی انجام شده و نشان می‌دهد که هزینه حفاظت از نفت، بیش از هزینه استخراج نفت است. حفاظت از نفت نیاز به اسلحه دارد و انباشت اسلحه، سرکوب را در پی خواهد داشت. سرکوب و اسلحه‌تپنا ناامنی چاه‌های نفت را نشانه‌نخواهد رفت بلکه همانطور که در رژیم‌شاه دیدیم، سینه‌همه‌فعالان سیاسی و اجتماعی را نشانه خواهد رفت. مصدق سعی کرد این مثلث را بشکند و جنبش‌هایی که در پی کودتا علیه‌مصدق ایجاد شد، همه برای شکستن این فضا بود. در صدر اسلام هم پیامبر اکرم در دورانی که ابرقدرت‌های ایران و روم، سرگرم آتش‌افروزی و جنگ و توسعه‌طلبی بودند، با شعار سلام و صلح دعوت خود را آغاز کرد. مبنای صلح‌خواهی پیامبر، برابری تمام انسان‌ها در برابر خدا بود که نتایج شگرفی در بر داشت. بنای صلح جهانی و ایرانی می‌تواند به رسمیت‌شناسی و مشارکت‌خواهی از همه افراد و کشورها باشد. در ایران همه مشارکت کنند تا صلح ایجاد شود و در جهان، با حذف تبعیض‌های فراوان فعلی، همه کشورها به بازی گرفته شوند تا صلح ایجاد شود.

▼ بحران هژمونیک و تهدید پوپولیسم در ایران

علیرضا بتهویی، جامعه‌شناس در سخنانی گفت: پوپولیسم در شرایطی ظهور می‌کند که نظام سیاسی موجود نتواند مطالبات متنوع مردم را جذب کند و مشروعیت خود را از دست بدهد. در چنین «بحران هژمونیک»، جامعه به دو قطب تقسیم می‌شود: «ما مردم» در برابر «آن‌ها حاکمان». نمونه‌های روشن آن در اروپا و آمریکا پس از دهه ۱۹۹۰ دیده شد؛ جایی که سیاست‌های نئولیبرالی نابرابری و نارضایتی گسترده ایجاد کرد و پوپولیست‌های راست افراطی با راه‌حل‌های ساده‌انگارانه‌ای چون اخراج مهاجران و نادیده گرفتن بحران محیط زیست توانستند قدرت سیاسی بگیرند. ویژگی مشترک این جریان‌ها ادعای نمایندگی همه مردم، نفی پلورالیسم، دشمن‌سازی دائمی و تکیه بر رهبر کاریزماتیک است که در نهایت به اقتدارگرایی و استبداد منتهی می‌شود. در سال ۱۳۸۴، محمود احمدی‌نژاد با شعار عدالت و بازگشت به آرمان‌های انقلاب موجی تازه از پوپولیسم مذهبی را رقم زد اما در عمل با فساد گسترده همراه شد و سرانجام افول کرد. از این رو، امکان بازگشت پوپولیسم مذهبی در ایران امروز بعید است. با این حال، کشور دوباره درگیر بحران هژمونیک است. ناکامی سیاست‌های داخلی و خارجی، فساد و استبداد، خطر جنگ و تحریم‌های شدیدتر را پررنگ کرده است. در چنین شرایطی، امکان ظهور پوپولیسم ناسیونالیست-سلطنت‌طلب مطرح می‌شود، هر چند فقدان تشکیلات و رهبری کاریزماتیک در داخل مانع اصلی آن است. راه بررون رفت از این وضعیت تغییر پارادایم حکمرانی است. مذاکره و دیپلماسی فعال، کاهش نقش نظامیان در اقتصاد، شایسته‌سالاری، تقویت انسجام ملی و آزادی زندانیان سیاسی و گشودن فضای رسانه‌ای مسیر دستیابی به صلح وثبات پایدار است؛ در غیر این صورت، تداوم سیاست‌های موجود کشور را به سمت فلج عمومی و انفجارهای اجتماعی سوق خواهد داد.

▼ آشتی ملی و حقوق بشر؛ محور صلح پایدار

عمادالدین باقی، پژوهشگر حقوق بشر در سخنرانی خود گفت: «صلح را می‌توان در سه سطح «صلح با خود»، «صلح با دیگری» و «صلح با جهان» تعریف کرد و آشتی ملی در سطح دوم، یعنی صلح با دیگری، معنا پیدا می‌کند. به باور او، بدون صلح با خود نمی‌توان به صلح با دیگری و بدون صلح با پیرامون به صلح با جهان رسید و حقوق بشر به‌عنوان زیرساخت کلیدی این مسیر عمل می‌کند. صلح منفی تنها به نبود جنگ محدود است، در حالی که صلح مثبت دارای زمینه‌ها و زیرساخت‌ها و پایدار است و آموزش و تثبیت حقوق بشر یکی از مهم‌ترین عوامل تثبیت صلح است. با وجود سازمان ملل و تلاش‌های فراوان در حوزه حقوق بشر، جنگ‌های متعددی رخ داده است. اما همین نهادها از شدت و گستره جنگ‌ها کاسته‌اند و اگر تلاش‌های صلح و حقوق بشر نبود، جهان امروز بسیار خطرناک‌تر بود. ریشه گسست‌های موجود میان مردم و حاکمیت، نقض حقوق بشر و حقوق شهروندی است. مردم ایران با هوشیاری در برابر متجاوزان در جنگ دوازده روزه اخیر علیه ایران ایستادند، اما این تجربه نشان داد که برای مقابله با تهدیدها بیش از پیش به همبستگی ملی نیاز داریم و این همبستگی تنها با آشتی ملی امکان‌پذیر است. آشتی ملی به معنای ترمیم شکاف میان حاکمیت و مردم است و تحقق آن تنها با رعایت حقوق بشر و اصول قانون اساسی میسر است. حقوق بشر می‌تواند مهم‌ترین زمینه‌برای تقویت انسجام ملی و حفظ ایران باشد و مسئولان باید این واقعیت را در تصمیم‌گیری‌های خود مدنظر قرار دهند.

سیاستمداران



از صلح دوستی ایرانیان بگو

سیدکاظم اکرمی، وزیر دولت میرحسین موسوی در گفت‌وگو با ایلنا درباره سفر رئیس‌جمهور به سازمان ملل گفت: «آقای رئیس‌جمهور باید همانند گذشته، در جمع رؤسای کشورها، خواست مردم ایران را به جهانیان برسانند که مردم ایران مردمی صلح‌دوست و اهل مذاکره هستند و همواره به گفت‌وگو و صلح با سایر کشورها پاسخ مثبت می‌دهند.»

او درباره فضای داخلی کشور هم‌زمان با سفر رئیس‌جمهور به سازمان ملل گفت: «در فضای داخل همه افراد باید بدانند که امنیت و سلامت کشور و بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، به مذاکرات و رفع مشکلاتی که در چارچوب بین‌المللی دنبال می‌شود، بستگی دارد. ما مردمی هستیم که خواهان صلح و آرامش برای خود و سایر کشورها هستیم.»

اکرمی ادامه داد: «البته ممکن است برخی تندروها بخوانند نظرات خود را مطرح کنند، اما باید توجه داشت که این رویکردها تاکنون نتیجه‌ای برای کشور ما و سایر کشورها نداشته است. تاریخ نشان می‌دهد که به‌ویژه در قرن بیستم کشورهایی مانند ویتنام هم برخورد‌های تندی با کشورهایی مانند آمریکا داشتند اما به نتیجه نرسیدند و در نهایت به مذاکره و صلح روی آوردند. همچنین، در تاریخ شاهد هستیم که کشورهایی مانند ژاپن، پس از برخورد‌های سخت، به صلح و گفت‌وگو دست یافتند.»

او همچنین گفت: «اینهایی که تندررو هستند باید بدانند که رفتار پیامبر اسلام هم نمونه‌ای از این رویکرد صلح است؛ به‌طور مثال صلح حدیبیه نشان می‌دهد که حتی در مواجهه با مخالفان، پیامبر با درایت و صبر عمل کرد و در نهایت به پیروزی رسید و با فتح و پیروزی وارد مکه شد. ما هم تاکنون به تعهدات خود پایبند بودیم اما این پایبندی را بیشتر نشان دهیم و به کشورهای دیگر نشان دهیم که خواهان زندگی آرام و بی‌دغدغه هستیم و می‌توانیم به بهبود روابط بین‌المللی دست یابیم.»

این نماینده دور اول مجلس با اشاره به صلح امام حسن با معاویه گفت: «در تاریخ هم آمده است که امام مجتبی (ع) وقتی دید که مردم خواهان صلح بودند، به صلح تن داد. امروز، اکثریت مردم ایران خواهان صلح و آرامش هستند و هیچ‌کس از جنگ و ویرانی راضی نیست. بنابراین، همه ما باید تلاش کنیم تا خواسته‌های رئیس‌جمهور را با عمل خود اثبات کنیم. ما هم مانند رئیس‌جمهور که تاکنون بارها هم تکرار کرده است، خواهان صلح، مذاکره، آزادی و امنیت برای بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور هستیم.»

ادامه سر مقاله

پرسش اساسی این است که ایران چگونه می‌تواند در چارچوب این سازمان به دفاع از حقوق خود بپردازد و درباره همه این موضوعات نیز موضعی سازگار بگیرد؟ به نظر می‌رسد که اگر ایران بخواهد در همه این موارد سیاستی سازگار و به دور از معیارهای دوگانه اتخاذ کند، دچار ابهام خواهد شد. البته، قطعاً می‌توانیم بگوییم که حق با ماست؛ ولی هنگامی که در یک مورد سیاستی ناسازگار با قواعد کلان این سازمان اتخاذ کنیم، این استدلال علیه خود ما هم به‌کار برده خواهد شد. سخنرانی در مجمع عمومی تنها یک بیانیه شعاری و تبلیغاتی نیست، بلکه یک سند راهبردی دیپلماتیک است. انتخاب کلمات، لحن و موضوعات مورد تأکید، همه باید حساب‌شده و در راستای پیشبرد اهداف ملی کشور در صحنه جهانی طراحی شود. اطمینان نداریم که چنین راهبرد جامعی در شرایط کنونی نزد ما باشد که آن را به جهان عرضه کنیم. حداقل ما اطلاع چندانی از وجود احتمالی آن نداریم. ولی امیدواریم که پس از سخنرانی آقای پزشکیان ما هم در کنار دیگر شنوندگان به درک این راهبرد نائل شویم.